



حیدری وجودی فرزانه مردی سخنور و عارف وارسته

آشنایی من با حیدری وجودی از زمانی آغاز می شود که هنوز «حیدری پنجشیری» تخلص می کرد و اثر منظومی را بنام «رهنمای پنجشیر» تازه بقلم آورده بود که این خود تعلق و ارادت حیدری وجودی را به آن وادی و ولایت مرد خیز و فرهنگ پرور می رساند. هر چند مشاهیر و بزرگان فرهنگی مان به حوزه های فرهنگی و تمدن جهانی تعلق دارند و محدود کردن آن ها به محلی و یا تباری و نژادی جفا به حق فرهنگ و جفای بزرگتر به حق این بزرگان می باشد، با آن هم بخاطر آشنایی بیشتر با این بزرگان و آشنایی با محلات کشور مان به ویژه ولایت پنجشیر که کمترین تلاشی در این عرصه صورت گرفته است، تذکر خاستگاه و تعلقات محلی مشاهیر فرهنگی، علمی و هنری این ولایت را ضروری دانستم که «پنجشیر در آینه ی فرهنگ خود بازتابنده همین ضرورت می باشد.

همان گونه که گفته آمدیم «رهنمای پنجشیر» از نخستین آثار منظومی است که معرف این ولایت می باشد. سوای سروده ستایشی «عشقری» این نخستین اثری است که به معرفی ابعاد مختلف این ولایت پرداخته است؛ به ابعاد مختلف سرزمینی که روزگاری یکی از توابع «بلخ» مادر شهر های جهان به ویژه مدنیت خاور زمین بوده است. حیدری وجودی به برداشت دانشنامه ی ادب فارسی افغانستان جلد سوم صفحه ی سه صد پنجاه و چهار، غلام حیدر نام دارد و فرزند ملا شفیع الله پنجشیری می باشد. در سال هزار و سه صد هژده خورشیدی در یکی از دهکده های پنجشیر چشم به جهان می گشاید. پس از پایان دوره ی دبستان در زادگاهش در مدرسه های سنتی آن روزه به فراگیری علوم دینی می پردازد... تا این که به سال هزار و سه صد سی و دو خورشیدی به کابل می رود. و هم زمان با کار در انجمن شعر وزارت معارف، از محضر سخنورانی مانند صوفی عشقری، شایق جمال، خال محمد خسته،



ملک الشعرا بیتاب، نوید وفکری سلجوقی بهره ها می برد. و با بسته شدن در های انجمن، بنابر ملاحظات سیاسی، وی به کار کتابخانه ی عمومی کابل می پردازد و موازی با آن به چاپ اشعارش در مجلات آن روز و هم چنان آثاری را بنام های «عشق جوانی»، «رهنمای پنجشیر»، «سالی در مدار نور»، «نقش امید و لحظه های سبز» می آفریند. حیدری وجودی در کنار این ها به اخذ جوایز مطبوعاتی دست می یابد. بی درنگ باید

افزود: در همین زمان است که به پژوهش های ادبی نیز می پردازد که حاصل آن: ترکیب های شعری در اشعار نظامی، گرد آوری و تصحیح اشعار عشقری و گزیده ی غزل ها از اصل کابلی تا واصف باختری می باشند. ناگفته نباید گذاشت: بخشی از زنده گینامه های آمده در دانشنامه ی ادب فارسی به کوشش و همت نویسنده زنده گینامه نویس کشور ما نعمت حسینی تهیه شده است که در خور ستایش و تمجید می باشد. همان گونه که گفته آمدیم شخصیت حیدری وجودی به عنوان شاعر و پژوهشگر خلاصه نمی شود. حیدری در پهلوی آن که غزلسرای بسیار موفق روزگار ماست، مردیست فرزانه و عیار و عارف، عارفی وارسته و عاشق فرهنگ و عرفان، کتابدار بسیار مهربان و دلسوز به گفته یی واصف باختری: او یکی از چند شاعر انگشت شمار روزگار ماست که می توان میان نحوه ی زیست و نحوه ی سرایش ایشان علامت تساوی گذاشت. از مقدمه کتاب «سالی در مدار نور». شعر های حیدری وجودی در پهلوی آن که ابعاد عارفانه آن بر جسته می نماید. در برخی موارد زبان بسیار ساده و خود مانی دارد که این ویژه گی سرایشی او، شماری از سروده های او را زبانه زد خاص و عام ساخته است از باب مثال «ترگس چشم سیاه تو خوشم میاید»، اما اندر باب سایر ویژه گی های سرایشی او به دآوری لطیف ناظمی سخنور نامور کشور که در مقدمه «سالی در نور» آمده، بسنده می کنیم: «غزل را گرامی بداریم و غزل های حیدری وجودی را نیز که سر شار از زیبایی و طراوت و دل انگیزی است. اندام غزل های حیدری را انگار رشته های ابریشمین عشقی لبالب از امید و ایمان و شهودنتنیده اند که پرنده

گان سبکبال اندیشه و آهوان رمنده و گریز پای خیالش بر آن دل باخته اند.
عشقی که اگر رخ زبرین آن ناسوتی می نمایدا رخ زبرین و نا پیدای آن لاهوتی و آن جهانی است... غزل های حیدری با آن که دنباله ارثیه ی غزلسرایی دیرپای دری است با همه آیه ها و نشانه ها و طعم و بوی کلاسیک آن، بآن هم از بیان تازه و کاربرد تعبیر ها و تصور های امروزین بهره دارد.» با این فشرده یادکردی از زنده گینامه و گوشه ی از تلاش های او، حیدری شاعر، پژوهشگر و عارف وارسته را می ستایم و از فرهنگیان عزیز "خانه فرهنگی مولانا" مقیم وانکوور کانادا ابراز سپاس و امتنان مینمایم که همیشه از ادبا، دانشمندان، هنرمندان و فرهنگیان شان چه در قید اند یا جهان فانی را وداع گفته اند یاد دانی و تقدیر نموده اند برای فرد فرد شان از خداوند موفقیت های بی شمار ارزو دارم. شما ها واقعاً در کار های فرهنگی تان قیام نه، بلکه قیامت نموده اید. مجید جان قیام از شما و از همه دست اندر کاران "خانه فرهنگی مولانا" ابراز سپاس و قدر دانی میکنم که از جناب حیدری ستایش مینماید خداوند با شما فرهنگیان عزیز باشدو در اخیر با غزلی از واصل باختری که در ستایش این بزرگمردی عارف و عیار سروده شده به این یاد کرد حسن ختام می بخشیم:

باز اقلیم غزل اورنگ و افسر یافته مریم قدس سخن فرزنددیگر یافته
حیدری زنگ کهن بسترده از چهر غزل آزمونش کن که این شمشیر جوهر یافته
نینواز باخترا در نیستان زیسته زان سرودش گرمی خورشید خاور یافته
می سزدگر پای خود بر تارک کیوان نهد او که جا در سایه ایوان حیدر یافته

با حرمت عزیزالله ایما
سویس/14 اپریل 2010